

بنام خداوند، مستی بخش

پاورپوینت عربی هشتم

درس پنجم

تهیه و تنظیم:

داور گیتی نورد. استان آذربایجان شرقی شهرستان سراب





كَيْفَ حَالِكِ؟ - اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ؛ جَيِّدَةٌ وَ كَيْفَ اَنْتِ؟

حالت چطور است؟ خدا را شکر؛ خوب، و تو چطور هستی؟





لغات درس



متن درس



أَلْفِعْلُ الْمُضَارِعُ



فَنِّ تَرْجَمَهُ



التَّمارِين



الأَرْبَعِينِيَّات



أَبْصَار

دیدگان « مفرد: بَصْر »



أَتَى / يَأْتِي

آمد / می آید



إحدى

يكي از



أَعْلَم

داناترین، داناتر



أَنْفُسَهُمْ

به خودشان

مفردِ أَنْفُسٍ: نَفْسٍ

خدا به هیچ وجه به مردم ستم
نمی کند لیکن مردم خود بر
خویشین ستم می کنند (۴۴)



نَفْس

خود، همان

نفسُ المَكان: همان جا

نَفْسى: خودم

Myself, Own

بِالتَّأَكِيدِ

الْبِتَّة

of course
/ʌv kɔ:rs/



بَعْدَ مَا

پس از اینکه

بِقِي

ماند



بِکُلُّ سُرور

باکمالِ میل



تَصْرِيفُ النُّقُودِ

تبدیل پول

« نقود : پول، پول ها »



آلثآلث؁ آلثآلثة

سوم؁ سومين

3



جار

همسایه « جمع: جیران »



جنتم

آمدید



جاءَ

آمد





جئنا

آمدیم



جَوَلَةٌ

گردش



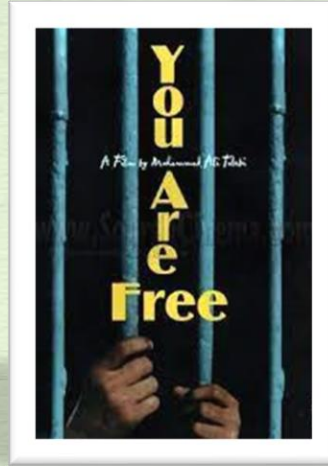
حَبِيب

دوست « جمع : أَحِبَّة ، أَحِبَّاء »



حر

آزاد « جمع : أحرار »



حَرَسَ / يَحْرُسُ

نگهداری کرد / نگهداری می کند
نگهبانی داد / نگهبانی می دهد



خَزَائِن

گنجینه ها « مفرد : خزانة »



دَمْع

اشك « جمع: دُموع »



ساحة

حياط، ميدان



شَرِبَ / يَشْرَبُ

نوشید / می نوشد



عُصْفُور

گنجشک «جمع: عَصافير»



مِصْبَاح

چراغ « جمع: مَصَابِيح »



مکتوب

نوشته شده



مُهْمَةٌ إِدَارِيَّةٌ

مأموريت اداري



الصَّدَاقَةُ

«أَسْرِين» طَالِبَةٌ فِي الصَّفِّ الثَّانِي الْمُتَوَسِّطِ . هِيَ جَاءَتْ مِنْ «سَنْدَج» إِلَى «طِهْرَان» . هِيَ طَالِبَةٌ جَدِيدَةٌ فِي الْمَدْرَسَةِ وَ بَقِيَتْ مُدَّةَ أُسْبُوعَيْنِ وَحِيدَةٍ . فِي الْأُسْبُوعِ الثَّلَاثِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ جَاءَتْ إِلَيْهَا إِحْدَى زَمِيلَاتِهَا بِاسْمِ « آيَلَار » وَ بَدَأَتْ بِالْحَوَارِ مَعَهَا فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ .

دوستی

آسرین دانش آموزی است در کلاس دوم متوسطه. او از سندج به تهران آمده است.

او در مدرسه دانش آموزی جدید است ومدت دو هفته تنها باقی مانده است .

در هفته ی سوم در روز شنبه یکی از هم شاگردی هایش به سوبش آمد به اسم آیلار و شروع کرد به گفتگو با او در حیاط مدرسه

ادامه مطلب

ترجمه



الجِوَارُ بَيْنَ الطَّالِبَتَيْنِ « آيلار » وَ « أُسْرِينِ »

كَيْفَ حَالِكِ ؟ الْحَمْدُ لِلَّهِ ، جَيِّدَةٌ وَ كَيْفَ أَنْتِ ؟
أَنَا بِخَيْرٍ . مَا اسْمُكِ ؟ اِسْمِي أُسْرِينِ .

گفتگو میان دودانش آموز «آیلار» و «أسرین»

حالت چطور است ؟ - خدا را شکر خوب، و تو چطوری؟
من خوبم . اسمت چیست؟ - اسمم أسرین است.

ادامه مطلب





- « أُسْرِين » بِالْكَرْدِيَّةِ بِمَعْنَى الدَّمْعِ . وَ مَا اسْمُكَ ؟
- مَا مَعْنَى اسْمِكَ ؟
- اسْمٌ جَمِيلٌ جِدًّا وَمَعْنَاهُ جَمِيلٌ أَيْضًا .

اسْمٌ جَمِيلٌ . مَا مَعْنَاهُ ؟
اسْمِي آيَلَار .
آيَلَار بِالتُّرْكِيَّةِ بِمَعْنَى الأَقْمَارِ .

- أُسْرِينُ بِه كُرْدِي يَعْنِي اشْك . وَ اسْمُ تُو چيست؟
- معنی اسم تو چیست؟
- واقعاً اسم زیبایی است و معنایش هم زیباست .

اسم زیبایی است . معنای آن چیست؟
اسم من آیلار است .
آیلار به ترکی یعنی ماه ها .



ادامه مطلب



مِنْ أَىِّ مَدِينَةٍ أَنْتِ ؟
لا ، أَنَا مِنْ تَبْرِيزٍ وَ سَاكِنَةٌ هُنَا .
لِمَاذَا جِئْتُمْ إِلَى طَهْرَانَ ؟

- أَنَا مِنْ سَنَدَجٍ . أَنْتِ مِنْ طَهْرَانَ ؟
- فَأَنْتِ مِثْلِي أَيْضًا .
- لِأَنَّ وَالِدِي فِي مَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ

تو از کدام شهر هستی ؟
نه، من از تبریز هستم و اینجا ساکن هستم .
چرا به تهران آمدید ؟

- من از سنندج . آیا تو از تهران هستی ؟
- پس تو هم مثل من هستی .
- برای اینکه پدرم در مأموریت اداری است



ادامه مطلب



- سَنَتَيْنِ .

- فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ .

- أَ تَصَدُقِينَ؟! .

- جِئْنَا قَبْلَ شَهْرٍ .

- فَكَيْفَ مَا رَأَيْتِكِ حَتَّى الْآنَ؟

دو سال

در میدان خراسان

آیا راست می گویی؟

یک ماه پیش آمدیم.

پس چطور تورا تا الان ندیده ام؟



ادامه مطلب

كَمْ سَنَةً مُهِمَّةٌ وَالِدِكِ؟

أَيْنَ بَيْتِكُمْ؟

عَجَبًا. بَيْتُنَا فِي نَفْسِ الْمَكَانِ.

نَعَمْ؛ بِالتَّأَكِيدِ؛ مَتَى جِئْتُمْ؟

فَدَحْنُ جَارَتَانِ وَ زَمِيلَتَانِ .

مأموریت پدرت چند سال است؟

خانه ی تان کجاست؟

عجب! خانه ی ما در همان جاست .

بله ، البته . کی آمدید؟

پس ما دو همسایه و دو همکلاسی هستیم .





عَجِيبٌ. ما مِهْنَةٌ اُبَيْكِ؟

- هُوَ مُهَنْدِسٌ .

هَلْ تَأْتِيْنَ اِلَى بَيْتِنَا؟

- بَكْلٌ سُرورِ .

مَتَى؟

- بَعْدَ مَا يَسْمَحُ لِي وَالِدِي وَ تَقْبَلُ وَالِدَتِي .

وَ هَلْ يَأْتِي اَبُوکِ؟ وَ هَلْ تَأْتِي اُمُّکِ؟

- اِنْ شَاءَ اللّٰهُ . سَأَسْأَلُهُمَا .

الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ . الْاِمَامُ عَلِيُّ (ع)

عجیب است؟ شغل پدرت چیست؟

او مهندس است.

آیا به خانه ی ما می آیی؟

بله با کمال میل.

چه وقت؟

بعد از اینکه پدرم به من اجازه بدهد و مادرم قبول کند .

و آیا پدرت می آید ؟ و آیا مادرت می آید؟ اگر خدا بخواهد . از آنها خواهم پرسید.

غریب کسی است که دوستی برای او نیست





الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ : (يَفْعَلُ ، تَفْعَلُ ، نَفْعَلُ)



→ هَذِهِ الزَّرَافَةُ تَشْرَبُ الْمَاءَ.

این زرافه آب می نوشد



→ هَذَا الْعُصْفُورُ يَشْرَبُ الْمَاءَ

این گنجشک آب می نوشد

ادامه مطلب





الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ : (يَفْعَلُ ، تَفْعَلُ ، نَفْعَلُ)



نَحْنُ نَعْمَلُ فِي الْمُخْتَبِرِ



نَحْنُ نَلْعَبُ كُرَةَ الْقَدَمِ

ما در آزمایشگاه کار می کنیم

ما فوتبال بازی می کنیم



فن ترجمه

حرف «ما» دو کاربرد دارد :

«ما» برای منفی کردن فعل ماضی .

مانند: « ما سَمِعْنَا » : نشنیدیم المؤمنون ۲

«ما» به معنای « چیست »

مانند: « ما تِلْكَ يَمِينِكَ يَا مُوسَى ؟ » طه ۱۷

ای موسی آن چیست در دست راستت؟



ادامه مطلب



اکنون این جمله ها را ترجمه کنید.

ما ظَلَمْنَا هُمْ وَ لَكِن ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ . (هود ۱۰۱) . 🗳️

ما به آن ها ستم نکردیم ولی آنها به خودشان ستم کردند.

ما ذَلِكَ الشَّيْءُ فِي يَدِكَ ؟ 🗳️ آن چیز چیست در دستت؟



التمرينُ الأوَّلُ



التمرينُ الثَّانِي



التمرينُ الثَّالِثُ



التمرينُ الرَّابِعُ



كَنْزُ الْحِكْمَةِ



الرَّبَعِيَّاتُ



التَّمرين الأول : با توجه به متن درس پاسخ درست کدام است؟



لِمُعَالَجَةِ بِنْتِهِمْ



١- لِمَاذَا جَاءَتْ أُسْرَةُ أُسْرِينَ إِلَى طِهْرَانَ؟ لِلْمُهَمَّةِ الْإِدَارِيَّةِ



أُسْبُوعَيْنِ



٢- كَمْ أُسْبُوعًا بَقِيَتْ أُسْرِينَ وَحِيدَةً؟ أُسْبُوعًا وَاحِدًا



فِي الصَّفِّ الثَّانِي



٣- فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ أُسْرِينَ؟ الصَّفِّ الْأَوَّلِ



خَلْفَ الْمَدْرَسَةِ



٤- أَيْنَ بَيْتُ أُسْرِينَ وَ آيَلَارَ؟ فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ



لَا ، هِيَ سَنَدَجِيَّةٌ



٥- هَلْ أُسْرِينَ مِنْ تَبْرِيزِ؟ نَعَمْ ، هِيَ تَبْرِيزِيَّةٌ





التمرین الثانی جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى بَيْوتِنَا

ما به خانه هایمان می رویم



نَحْنُ نَصْعَدُ الْجَبَلَ

ما از کوه بالا می رویم





التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: كدام كلمة با ديگر كلمة ها از نظر معنا و مفهوم ناهماهنگ است؟

<input checked="" type="checkbox"/>	جار	<input type="checkbox"/>	وَجْه	<input type="checkbox"/>	عَيْن	<input type="checkbox"/>	يَد - ١
<input type="checkbox"/>	طَرِيق	<input type="checkbox"/>	شَارِع	<input type="checkbox"/>	سَاحَة	<input checked="" type="checkbox"/>	٢- سَمَكَة
<input type="checkbox"/>	سَنَة	<input type="checkbox"/>	شَهْر	<input checked="" type="checkbox"/>	خُبْز	<input type="checkbox"/>	٣- أُسْبُوع
<input type="checkbox"/>	عُرَاب	<input checked="" type="checkbox"/>	مِهْنَة	<input type="checkbox"/>	فَرَس	<input type="checkbox"/>	٤- بَقْرَة
<input checked="" type="checkbox"/>	رِيَاضَة	<input type="checkbox"/>	مُمَرِّضَة	<input type="checkbox"/>	حَلْوَانِيّ	<input type="checkbox"/>	٥- حَدَاد
<input type="checkbox"/>	جِدَار	<input checked="" type="checkbox"/>	رِسَالَة	<input type="checkbox"/>	نَافِذَة	<input type="checkbox"/>	٦- بَاب
<input type="checkbox"/>	رُمَان	<input type="checkbox"/>	عِنَب	<input checked="" type="checkbox"/>	مَوْقِف	<input type="checkbox"/>	٧- تَفَّاح
<input type="checkbox"/>	الخَمِيس	<input type="checkbox"/>	الثَّلَاثَاء	<input type="checkbox"/>	السَّبْت	<input checked="" type="checkbox"/>	٨- الفِضَّة





التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : كلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. = ، ≠

بَسَاتِينُ.....=.....حَدَائِقُ ?	أَتَى.....=.....جَاءَ ?	مِهْنَةٌ.....=.....شُغْلُ ?
يَصْدُقُ.....≠.....يَكْذِبُ ?	بَيْعٌ.....≠.....شِرَاءٌ ?	قَادِمٌ.....≠.....مَاضِيٌ ?
طَيِّبٌ.....=.....جَيِّدٌ ?	لَيْلٌ.....≠.....نَهَارٌ ?	شَاهِدٌ.....=.....رَأَى ?
سِعْرٌ.....=.....قِيَمَةٌ ?	كَبِيرٌ.....≠.....صَغِيرٌ ?	عَاقِلٌ.....≠.....جَاهِلٌ ?



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : ترجمه کنید

۱. الْجَاهِلُ يَكْذِبُ وَ الْعَاقِلُ يَصْدُقُ. نادان دروغ می گوید و عاقل راست می گوید

۲. أَنَا ذَهَبْتُ أَمْسٍ وَ أَنْتَ سَوْفَ تَذْهَبُ غَدًا. من دیروز رفتم و تو فردا خواهی رفت

۳. يَا زَمِيلِي ، مَا هَذَا الْمِصْبَاحُ ؟ أَنَا مَا رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ. ای همکلاسی من ، این چراغ چیست؟ من آن را قبلا ندیده ام

۴. أَنْتِ رَجَعْتِ قَبْلَ سَاعَةٍ وَ نَحْنُ سَنَرْجِعُ بَعْدَ سَاعَةٍ. تو یک ساعت قبل برگشتی و ما پس از یک ساعت بر خواهیم گشت

۵. وَالِدَتِي سَتَطْبُخُ طَعَامًا لَذِيذًا وَ نَحْنُ سَوْفَ نَأْكُلُهُ. مادرم غذای خوشمزه ای خواهد پخت . ما آن را خواهیم خورد

۱. **الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ.** دانشمندان چراغ های زمین است.

۲. **الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ.** علم و دانش گنجینه هایی هستند و کلید آن سوال کردن است.

۳. **إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَ نَوْرُ الْأَبْصَارِ.** همانا علم زندگی دلهاست و نور دیدگان است

۴. **أَعْلَمُ النَّاسِ ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.** داناترین مردم کسی است که علم مردم را بر علمش جمع کند

۵. **الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ.**

علم و دانش بهتر از مال و ثروت است. علم نگهداری می کند تو را و تو نگهداری می کنی مال و ثروت را.



قیمت های پول در عتبات مقدّس



• - أَهْلًا بِكَ، يَا زَائِرُ. ای زائر، خوش آمدی.

• - أُرِيدُ تَصْرِيفَ نُقُودِي إِلَى الدِّينَارِ مِي خَواهم پول هَایم را به دینار تبدیل کنم.

• - الْأَسْعَارُ مَكْتُوبَةٌ عَلَى هَذِهِ اللَّوْحَةِ.

• - كَيْفَ تَصْرِيفُ النُّقُودِ؟ تَبْدِيلُ پَول چطور است؟

قیمت ها روی این تابلو نوشته شده است.

• - بِالتَّأَكِيدِ، الْأَسْعَارُ ثَابِتَةٌ. البته، قیمت ها ثابت است.

• - هَلِ الْأَسْعَارُ فِي كُلِّ السُّوقِ وَاحِدَةٌ؟ آیا قیمت ها در تمام بازار یکی است؟

• - لَا بَأْسَ؛ أَنْتَ حُرٌّ. أَنَا فِي خِدْمَةِ الزُّوَّارِ.

• - جَوْلَةٌ صَغِيرَةٌ فِي سُوْقِ الصَّرَافِينَ؛ ثُمَّ أَرْجِعْ.

اشکالی ندارد، تو آزادی. من در خدمت زائران هستم.

یک گردش کوچکی در بازار صرافان میکنم؛ سپس برمیگردم.

• - بَعْدَ دَقَائِقَ بَعْدَ از چند دقیقه

• - أَنَا فِي خِدْمَتِكَ. مَاذَا عِنْدَكَ؟ يورو أم تومان؟

• - رَجَعْتُ عِنْدَكَ يَا أَخِي. ای برادر به نزدت برگشتم.

من در خدمتت هستم، چه داری؟ یورو یا تومان؟

• - سَأَقُولُ لَكَ مِقْدَارَ التَّصْرِيفِ.

• - عِنْدِي تَومَان. تَومَان دارم.

به تو مقدار تغییر (پول) را خواهم گفت.



exit

✖ خروج از برنامه

آیا قصد خروج از برنامه را دارید؟

خیر

بله